

ماجرای مک‌فارلین

ماجرای ایران-کنترا که به ماجرای مک‌فارلین و ماجرای ایران گیت نیز معروف است، به معامله تسلیحاتی ایران با ایالات متحده آمریکا و اسرائیل از ۲۰ اوت ۱۹۸۵ تا ۴ مارس ۱۹۸۷ (۲۹ مرداد ۱۳۶۴ - ۱۳ اسفند ۱۳۶۵) بازمی‌گردد. در این ماجرا آمریکا از طریق نفوذ ایران سعی در آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان کرد و در ازای آن برخی قطعات ادوات جنگی و نظامی را که به واسطه تحریم امکان فروش آنها به ایران نبود، در اختیار ایران قرار داد. پول فروش این تسلیحات به طور پنهانی به ضد انقلابیون نیکاراگوئه موسوم به کنترا داده می‌شد. اسرائیل نیز بخشی از معامله فروش تسلیحات به ایران را در دست گرفت و از این طریق سعی در شکست نخوردن ایران در مقابل جبهه متحد عربی مخالف اسرائیل داشت. این ماجرا به وسیله نامه منوچهر قربانی فر به فتح الله امید نجف آبادی اطلاع رسانی شد و برای اولین بار در بیت آیت الله منتظری مطرح شد. گفته می‌شود سید مهدی هاشمی به وسیله روزنامه الشراع لبنان این ماجرا را فاش کرد. کنگره آمریکا در آن زمان کمک مالی به شورشیان نیکاراگوئه را ممنوع کرده بود و ماجرای ایران-کنترا بعد از رسوایی واترگیت بزرگ‌ترین رسوایی سیاسی آمریکا لقب گرفت.

ایران در اواسط دهه هشتاد میلادی، درگیر جنگ با عراق بود و به کمک از خارج برای جنگ و اقتصاد نیاز داشت. به علاوه ارتش ایران در پیش از انقلاب ۱۳۵۷ بطور گسترده‌ای مسلح به اسلحه آمریکایی بود و این نیاز ایران به تجهیزات آمریکایی را دو چندان می‌کرد. در این زمان بخشی از نخبگان حکومتی تمایل به بهبود روابط با آمریکا داشتند. از سوی دیگر رونالد ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا، امید داشت تا با کمک ایران گروگان‌های آمریکایی در لبنان را آزاد کند. آمریکا پیش از این کمک‌های زیادی به عراق در جنگ با ایران کرده بود. اما در این زمان آمریکا بیم داشت که یک ایران ضعیف به دامان شوروی کمونیستی بیفتد. در ژانویه ۱۹۸۶ ریگان دستور داد تا چهار هزار موشک تاو توسط سازمان سیا از وزارت دفاع خریداری شود و از طریق اسرائیل به ایران فروخته شود. در این زمان ریگان، رابرت مک‌فارلین مشاور پیشین امنیت ملی را برای نزدیک شدن بیشتر به ایران و مذاکره به جناح‌های میانه‌رو ایران از جمله هاشمی رفسنجانی و طرفدارانش به ایران فرستاد. اما این مأموریت شکست خورد. این روابط تا ماه نوامبر ادامه داشت تا زمانی که این روابط توسط یک روزنامه لبنانی فاش شد.

در ۵ اکتبر ۱۹۸۶ (۱۳ مهر ۱۳۶۵) یک هواپیمای باری قدیمی آمریکایی که در حال پرواز برفراز نیکاراگوئه بود، توسط یک موشک ضدهوایی سقوط کرد. یوجین هیزنفاس (به انگلیسی: Eugene Hasenfus) تنها بازمانده این حادثه بود که به اسارت درآمد. بعد از اطلاع از دستگیری، سازمان سیا تصمیم گرفت هرچه سریعتر وارد عمل شده و وی را بازگرداند. اما مدتی بعد هیزنفاس با حضور در پشت دوربین‌های تلویزیونی از نقش آمریکا در تجهیز و پروراندن شورشیان نیکاراگوئه (کنترا) پرده برداشت.

این خبر در حالی به اولیور نورث، عضو شورای ملی امنیت ایالات متحده آمریکا رسید که وی در حال مذاکره با نمایندگان ایران در اروپا بود. رابرت مک‌فارلین، عضو دیگر شورای ملی امنیت ایالات متحده آمریکا، بعد از اطلاع از این خبر از ادامه مذاکرات با طرف ایرانی دست کشید و به واشنگتن بازگشت.

این خبر در هر دو کشور خصوصاً در آمریکا زمانی که مشخص شد که با وجود آنکه کنگره آمریکا تأمین مالی شورشیان کنتررا در نیکاراگوا را ممنوع کرده بود، دولت ریگان از پول معاملات اسلحه در ایران برای کمک مالی به این شورشیان استفاده می‌کرده است، باعث خشم عمومی شد.

تریتا پارسی (رئیس سازمان نایاک) هم، در کتاب «اتحاد خائنه» در تأیید ملاقات مقامات ایرانی (حسن روحانی، منوچهر قربانی‌فر (دلال اسلحه) و اسرائیلی نوشته است که با میانجی‌گری اسرائیلی‌ها، ایرانی‌ها از آمریکایی‌ها، موشک ضدتانک تاو خریداری کردند.

روایت جمهوری اسلامی ایران

پس از اجرای چند عملیات نظامی موفق‌آمیز از سوی رزمندگان ایرانی در خلال سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ که از آزادسازی خرمشهر آغاز شد و تا تصرف فاو ادامه داشت، سیاست‌مداران نسبت به شکست عراق توسط ارتش ایران بیمناک شدند و ادامه روند جنگ را به نفع ایران دیدند. ایران نیز کویت را به دلیل قراردادان جزیره بویان به عنوان پایگاه موشکی در اختیار عراق تهدید کرد و موجب ترس سران کشورهای حاشیه خلیج فارس شد. از این روی بود که رونالد ریگان، جورج بوش را ۳ ماه پس از تصرف فاو به منطقه خاورمیانه فرستاد تا با سران کشورهای عرب منطقه ملاقات کند. پس از پایان مذاکرات بود که آمریکا و اعراب به این نتیجه رسیدند که ادامه حمایت از صدام حسین کمکی به پیروزی وی در جنگ نمی‌کند و بهتر آن است که ایشان اقدام به مصالحه با ایران نمایند و از نفوذ بیشتر ایران در منطقه جلوگیری نمایند.

همچنین در ۱۴ ژوئن ۱۹۸۵ در طی ماجرای پرواز تی‌دبلیوای ۸۴۷ که دو لبنانی عضو حزب‌الله لبنان اقدام به ربایش هواپیما نمودند و خلبان را مجبور کردند در فرودگاه بیروت بر زمین نشیند، با میانجی‌گری اکبر هاشمی رفسنجانی در طی سفرش به سوریه و لبنان، گروگان‌گیرها گروگان‌ها را آزاد کردند. این مسئله موجب توجه رونالد ریگان به نفوذ ایران در اقدامات حزب‌الله لبنان شد و درصدد برآمد مدتی بعد برای حل بحران ربایش برخی کارکنان سفارت آمریکا در بیروت توسط اعضای حزب‌الله، مجدداً از کمک ایران سود برد. در همین راستا آمریکا با واسطه ژاپن و پاکستان با سید احمد خمینی تماس برقرار کرد.

سفر هیئت مذاکره کننده

هیئتی که در تاریخ ۲۵ مه ۱۹۸۶ (۴ خرداد ۱۳۶۵) جهت مذاکرات وارد تهران شدند عبارت بودند از: الیور نورث، رابرت مک فارلین تحلیل گر سازمان سیا و مشاور امنیتی رونالد ریگان، جورج کیو از مقامات شورای امنیت ملی، هوارد تیچر (مسئول تحویل پول به شورشیان نیکاراگوئه) و امیرام نیر، یکی از مأموران سرویس امنیت اسرائیل.

بر اساس گفته‌های هاشمی رفسنجانی مک‌فارلین و همراهانش با نام ایرلندی با یک هواپیمای حمل سلاح وارد ایران شدند. در بدو ورود به ایران، اعضای این هیئت به یک هتل برده شدند. در مدت ۵ روز مکرراً به درخواستهای رابرت مک‌فارلین مبنی بر ملاقات با یکی از مسئولان رده‌بالای ایران پاسخ منفی داده می‌شد. مأموران ایرانی اعضای هیئت را تهدید می‌کردند در صورتی که هدف و نقشه اصلی حضور غیرمنتظره در ایران را شرح ندهند، هویتشان در رسانه‌های جمعی معرفی خواهد شد.

بعد از آن اولین دور مذاکرات به مدت ۲ ساعت انجام شد. در این جلسه مقامات سیاسی ایران حاضر نبودند و تنها فرماندهانی از سپاه پاسداران هیئت ایرانی را تشکیل می‌دادند. دور دوم مذاکرات به دلیل ترک جلسه توسط مک‌فارلین تنها نیم‌ساعت ادامه پیدا کرد. وی این اقدام را به نشانه اعتراض به بی‌توجهی مقامات ایرانی نسبت به حضور وی در ایران انجام داد. دور سوم بدون حضور مک‌فارلین و با حضور چند دیپلمات ایرانی و به مدت ۶ ساعت انجام شد. در دور سوم، چهارم و پنجم توافقات نسبی بین طرفین انجام شد. در پایان دور ششم مذاکرات، هیئت آمریکایی به این دلیل که نتیجه مذاکرات را موردقبول نمی‌دیدند، درخواست بازگشت به آمریکا را مطرح نمودند. این گروه در پایان دور هفتم مذاکرات (۱۷ خرداد ۱۳۶۵) گذرنامه خود را دریافت و ایران را ترک کردند.

نقش حسن روحانی

فارین پالیسی در گزارشی با عنوان «وقتی روحانی با اولیور نورث دیدار کرد» نوشت:

حسن روحانی مشاور ارشد سیاست خارجی دولت وقت ایران، بیست و هفتم می ۱۹۸۶ با هیأتی از مقامات کاخ سفید در طبقه آخر هتل هیلتون در تهران همنشین شده و آمده بود تا پنهانی واسطه توافقی با آمریکایی‌ها شود.

این نشریه با تشریح جزئیات مذاکرات ایران و آمریکا همزمان با جنگ تحمیلی ادعا کرده که حسن روحانی نقشی محوری در این ماجرا داشته است.

محموله‌های ارسال شده به ایران

اولین محموله موشک‌های تاو در ۶ اوت ۱۹۸۵ (۱۵ مرداد ۱۳۶۴) به ایران ارسال شد. در ۱۵ سپتامبر همان سال (۲۴ شهریور ۱۳۶۴)، دومین محموله از جمله شامل تعداد ۲۵ قبضه توپ ۱۵۵ میلیمتری جدید دوربرد لوله بلند با شعله‌پوش ساخت آمریکا بود که در ارتش ایران برای رد گم کردن به توپهای اتریشی معروف شدند. این محموله در کانتینر در بندرعباس به حکومت ایران تحویل داده شد. بنیامین ویر (به انگلیسی: Benjamin Weir)، گروگان آمریکایی در لبنان، در ۲۴ مهر ۱۳۶۵ آزاد گردید. دومین گروگان نیز در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۶۵ آزاد شد. رونالد ریگان همان ساعت با تلفن به شیمون پرز، مراتب تشکر دولت متبوعش را به خاطر هماهنگ‌سازی اسرائیل در انتقال تسلیحات به ایران ابراز داشت. سه نفر دیگر نیز در ماجراهای دیگری در ۱۸ و ۲۱ شهریور و نیز ۲۱ مهر آن سال در بیروت به گروگان گرفته شدند که در جریان مذاکرات پنهانی نبودند. در این موارد هم گروگان نخست سریعاً آزاد شد، اما دو تن دیگر برای مدت‌ها گروگان بودند.

ناهم مانبار (به عبری: נחם מנבאר)، یکی از دلالتان اسلحه اسرائیلی مدعی شده‌است که در طی معاملات اسلحه، ایران مقداری گاز اعصاب و گاز خردل نیز دریافت کرده‌است.

موشک ضد هوایی هاوک نیز یکی از اقلام فروخته شده به ایران بوده که آدولف شوایفر آنها را از نیروی هوایی آمریکا تحویل گرفت.

ارزش کل کالاهای ارسال شده به ایران در خلال این معامله بالغ بر ۲ میلیارد دلار می‌باشد.

بر اساس گزارش نیویورک تایمز، این سلاح‌ها در جریان این معامله‌های پنهانی در اختیار ایران قرار گرفت:

- ۲۰ آگوست ۱۹۸۵: ۹۶ موشک ضدتانک تاو (بی‌جی‌ام ۷۱- تاو)
- سپتامبر ۱۹۸۵: ۴۰۸ موشک ضدتانک تاو
- ۱۲ نوامبر ۱۹۸۵: تعداد کثیری قطعات هواپیماهای فانتوم به ارزش تقریبی ۴۳ میلیون دلار
- ۲۴ نوامبر ۱۹۸۵: ۵۰۰ موشک ضد هوایی هاوک (ام‌آی‌ام ۲۳- هاوک)
- ۱۷ فوریه ۱۹۸۶: ۵۰۰ موشک ضدتانک تاو
- ۲۷ فوریه ۱۹۸۶: ۵۰۰ موشک ضدتانک تاو
- ۲۴ می ۱۹۸۶: ۵۰۸ موشک ضدتانک تاو و ۲۴۰ قطعه یدکی موشک‌های ضد هوایی هاوک
- ۱۴ ژوئن ۱۹۸۶: تعداد کثیری قطعات و تسلیحات اف ۵ تایگر و اف ۱۴ تامکت به ارزش تقریبی ۵۰ میلیون دلار
- ۴ آگوست ۱۹۸۶: قطعات یدکی موشک‌های ضد هوایی هاوک

رسوایی در سه کشور

رسوایی در ایران

فاش سازی

در ۳ نوامبر ۱۹۸۶ (۱۲ آبان ۱۳۶۵) یک روزنامه لبنانی به نام الشراع نوشت که رابرت مک‌فارلین مشاور امنیت ملی ریگان در یک مأموریت مخفیانه به همراه یک کیک و یک انجیل امضاء شده توسط ریگان به تهران سفر کرده تا از طریق فروش سلاح به ایرانیان از کمک آنان برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان استفاده کند. کسی که این اطلاعات را در اختیار الشراع قرار داده بود مهدی هاشمی بود و وی نیز این اطلاعات را از امید نجف آبادی دریافت کرده بود.

به دنبال انتشار گزارش الشراع، هاشمی رفسنجانی که آن زمان رئیس مجلس شورای اسلامی بود با توصیه خمینی در مراسم سالگرد ۱۳ آبان در سفارت سابق آمریکا به تشریح سفر مک‌فارلین و همراهانش به ایران پرداخت. اعتماد مردم به اقدامات آیت‌الله خمینی موجب جلوگیری از اعتراضات مردمی در ایران شد؛ ولی برخی رجال سیاسی مخالف، نارضایتی خود را با این مسئله اعلام کردند.

سید روح‌الله خمینی در این باره گفت:

«رئیس جمهور آمریکا در این رسوایی باید عزا بگیرد. این متفرقه گویی و اضطرابی که در کاخ سفید پیدا شد و در طرفداری آمریکا، حکایت از عظمت مسئله می‌کند. یک مقام عالی رتبه - به قول خودشان - از آمریکا به طور قاجاق و با تذکره جعلی وارد ایران می‌شود در صورتی که ایران نمی‌داند چیست. به مجردی که وارد می‌شود معلوم می‌شود که این از مقامات آمریکا است. ایران او را در یک جایی تحت نظر قرار می‌دهد و او با هر کسی خواسته‌است ملاقات کند، ملاقات نمی‌کند.»

اعتراض در داخل حکومت ایران

از معترضان به ماجرای مک‌فارلین در ایران آیت الله منتظری بود. او در خاطرات خود نوشته‌است: «ساده انگارانه است اگر کسی باور کند که آمریکایی‌ها برای فروش مقداری سلاح و یا رهایی چند گروگان در لبنان دست از سیاست‌های اصولی خود در جنگ ایران و عراق بردارند. تجربه گروگان‌گیری افراد سفارت آمریکا

درس‌های آموزنده‌ای برای آمریکایی‌ها و ما داشت. اتفاقاً آزادی آن‌ها هم در ابتدای ریاست جمهوری ریگان بود و سفر مک فارلین هم در همین دوران ریگان بود. از طرف دیگر این چه روشی است که در ایران متداول شده که از مذاکرات رسمی و روشن و منطقی با آمریکا روی گردان بوده و آن را خیانت و بی‌غیرتی اعلام می‌کنند ولی به صورت مخفی و پشت پرده مذاکره می‌کنند. واقعاً این‌ها دردهایی است که ما در این کشور می‌کشیم.»

منتظری ادامه می‌دهد: «آقایان برای خرید اسلحه روابط مخفیانه‌ای با آمریکایی‌ها برقرار کرده بودند و مک فارلین مشاور رئیس جمهور آمریکا و همکاران او به طور مخفیانه و پاسپورت جعلی وارد کشور شدند. سپس با نامه‌های آقای منوچهر قربانی فر این مسئله برای ما بر ملا شد. آقای قربانی فر فتوکی نامه‌های خود به آقای کنگرلو را به وسیله آقای فتح الله امید نجف آبادی برای من فرستاد و طبعاً جریان مک فارلین در بیت ما مطرح شد. البته من اصلاً قربانی فر را ندیده‌ام و نامه‌های قربانی فر را ظاهراً سید مهدی توسط یکی از دوستانش به الشراع رسانده بود و آقایان با علم کردن این مسائل می‌خواستند به طرف‌های آمریکایی خود بفهمانند که ما با طرفداران صدور انقلاب، به قول آمریکایی‌ها تروریسم، و با مخالفان این مذاکرات و افشا کنندگان آن برخورد کرده‌ایم. در آن زمان بسیاری از تلکسهای که بر روی منزل ما می‌آمد از همین موضوع حکایت داشت.»

میرحسین موسوی نخست وزیر وقت نیز پس از فاش‌سازی با ارسال نامه‌ای به سید روح‌الله خمینی، از اینکه در جریان این معامله قرار داده نشده‌است، گله کرد.

۸ تن از نمایندگان مجلس نیز تصمیم گرفتند در این مورد علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه را مورد سؤال قرار دهند. این هشت نفر عبارت بودند از: حسینی سیرجانی، جلال‌الدین فارسی، نیکروش، سید محمد خامنه‌ای - موسویانی، نجفی رهنانی، فهیم کرمانی (بند چهارم) و اسرافیلیان. متن سؤال به قرار زیر بود:

با توجه به این که وزارت امور خارجه عهده دار اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است و تعیین خط مشی با مقام معظم رهبری و مجلس شورای اسلامی است، در رابطه با جنجال تبلیغاتی اخیر از داخل و خارج کشور در خصوص ارتباط با دولت آمریکا اعلام دارند که این ارتباط در چه سطحی صورت پذیرفته است.

نظر به این که مجلس شورای اسلامی هیچ گونه اطلاعی از این فعل و انفعالات نداشته‌اند، اعلام دارند چه مقامی یا مقاماتی تصمیم به این تماس و ارتباط گرفته‌اند.

شنیده می‌شود افرادی خارج از کادر وزارت امور خارجه با هیئت آمریکایی تماس گرفته و مذاکره نموده‌اند، لطفاً اعلام دارید که این افراد مأموریتی از جانب وزارت امور خارجه داشته‌اند یا خیر و در صورتی که پاسخ منفی باشد، مجوز قانونی تماس و ارتباط افراد مذکور کدام است؟

جریان سفر هیئت آمریکایی به ایران به چه صورت و با چه کیفیتی صورت پذیرفته و چه کسانی در ایران با آنها مذاکره نموده، محور مذاکرات چه بوده و مذاکرات به چه تصمیماتی منجر گردیده است.

ضمناً موضوع قبلاً با وزیر محترم امور خارجه در میان گذاشته شده و پاسخ مشارالیه مقنع نبوده است.

آیت‌الله روح‌الله خمینی، رهبر وقت ایران، در واکنشی تند به طرح این سؤال چنین سخنرانی کرد: «چرا باید وقتی که دنیا به تزلزل درآمده است برای این بی‌اعتنایی ایران به کاخ سفید و سیاه، چرا ما باید توجیه کنیم مسائل آنها را؟ چرا ما باید این قدر غریزه باشیم یا شیطان‌زده؟ من هیچ توقع نداشتم از بعضی این اشخاص، ولو بعضی‌شان در نظر من پوچ‌اند، لکن از بعضی از این اشخاص که سابقه دارند هیچ توقع نداشتم که در این زمان که باید فریاد بزنند سر آمریکا، فریاد می‌زنند سر مسئولین ما! چه شده است؟ شماها چه‌تان است؟ چه کردید شماها؟ شماها چرا باید تحت تأثیر تبلیغات خارجی واقع بشوید یا تحت تأثیرات نفسانیت خودتان؟ در یک همچون مسئله مهمی که باید همه شما دست به هم بدهید و ثابت کنید به دنیا که ما وحدت داریم، وحدت ما این طور شده است و در روزی که هفته وحدت است چرا شماها می‌خواهید تفرقه ایجاد کنید؟ لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید، از لحن اسرائیل تندتر است، از لحن خود کاخ نشینان آن جا تندتر است. شما چه شده است این طور شدید؟ شما که این نبودید بعضیتان... شما دل مسئولین ما را نشکنید، شما هی تندرو و کندرو درست نکنید، دودستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است، خلاف دیانت است، خلاف انصاف است، نکنید این کارها را.»

با این حال و با گذشت چندین سال از این ماجرا هنوز جنجال سیاسی بر سر ابعاد آن ادامه دارد و برخی هاشمی رفسنجانی را متهم می‌کنند که فقط مذاکره برای خرید اسلحه و معامله برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان را به سید روح‌الله خمینی اطلاع داده‌است ولی حضور هیئت بلند پایه در تهران و تلاش برای عادی سازی روابط با آمریکا را از وی پنهان نموده‌است.

رسوایی در آمریکا

در ۵ اکتبر ۱۹۸۶ (۱۳ مهر ۱۳۶۵) یک هواپیمای باری قدیمی آمریکایی که در حال پرواز برفراز نیکاراگوئه بود، توسط یک موشک ضدهوایی سقوط کرد. یوجین هیزنفاس (به انگلیسی: Eugene Hasenfus) تنها بازمانده این حادثه بود که به اسارت درآمد. بعد از اطلاع از دستگیری او، سازمان سیا تصمیم گرفت هرچه سریعتر وارد عمل شده و وی را بازگرداند. اما مدتی بعد هیزنفاس با حضور در پشت دوربینهای تلویزیونی از نقش آمریکا در تجهیز و پروراندن شورشیان نیکاراگوئه (کنترا) پرده برداشت.

این خبر در حالی به اولیور نورث، عضو شورای ملی امنیت ایالات متحده آمریکا رسید که وی درحال مذاکره با نمایندگان ایران در اروپا بود. رابرت مک‌فارلین، عضو دیگر شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، بعد از اطلاع از این خبر از ادامه مذاکرات با طرف ایرانی دست کشید و به واشنگتن بازگشت. درست یک ماه بعد خبر معامله تسلیحاتی ایران با آمریکا از یک هفته‌نامه لبنانی منتشر شد. این دو رسوایی سیاسی، یک بحران سیاسی را در آمریکا پدید آورد.

در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۶ (۴ آذر ۱۳۶۵) فاش شد که سرهنگ الیور نورث از کارکنان شورای ملی امنیت ایالات متحده آمریکا ترتیبی داده بود که سود ۱۰ تا ۳۰ میلیون دلاری فروش اسلحه به ایران به شورشیان کنترا پرداخت شود. در حالیکه پیش از آن کنگره ایالات متحده آمریکا چنین اقدامی را از اساس غیرقانونی کرده بود. انتشار این اخبار ریگان را واداشت تا آدمیرال جان پویندکستر مشاور امنیت ملی را که در سال ۱۹۸۵ جانشین مک فارلین شده بود به همراه اولیور نورث از کار برکنار کند.

ریگان بدنبال این ماجرا، کمیته مشترک ریاست جمهوری و کنگره، به ریاست سناتور سابق جان تاور، را مأمور رسیدگی به این ماجرا کرد. کمیسیون تاور بعدها اعلام کرد که ریگان از اقدامات زیردستانش در شورای امنیت ملی در اجرای ایران-کنترا خبر نداشته‌است هرچند که افرادی نظیر رونالد ریگان رئیس ستاد کارکنان ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، کاسپارواینبرگر وزیر دفاع و جرج شولتز وزیر خارجه به دلیل تعلل در جلوگیری از این قانون شکنی مورد انتقاد قرار گرفتند.

در طی جلسات سؤال از متخلفین در کمیسیون تاور، سرهنگ اولیور نورث با استفاده از حق توسل به متمم پنجم، از دادن هرگونه شهادت در رابطه با نقشش در نابود کردن مدارک مربوط به ماجرای ایران-کنترا خودداری کرد.

این دو رسوایی سیاسی (حمایت از شورشیان نیکاراگوئه و فروش مخفیانه سلاح به ایران)، یک بحران سیاسی را در آمریکا پدید آورد. برای بیشتر آمریکاییها این دو رسوایی غیرقابل قبول بود.

واکنش رونالد ریگان

رونالد ریگان و آنتونی میس که در تاریخ ۲۵ نوامبر همان سال از ارتباط این دو موضوع مطلع و شوکه شده بودند، کنفرانس خبری آن روز را لغو کردند. البته همواره از وجود شواهدی مبنی بر آگاهی شخص رونالد ریگان از این رابطه دوطرفه سخن گفته شده‌است؛ ولی هیچگاه مدارکی در جهت محکومیت رئیس‌جمهور ارائه نشد.

پس از این رسوایی، ریگان کمیته‌ای ۳ نفره به ریاست سناتور جان تاور تشکیل داد تا این موضوع را بررسی کنند. این کمیته به کمیسیون تاور معروف شد و مأموریت بررسی نقش شورای امنیت ملی آمریکا را در این بحران برعهده گرفت.

نشریه السفیر می‌نویسد ریگان در مورد اعتراضات کنگره درمورد ارسال سلاح به ایران گفت: سلاح‌های ارسالی فقط جنبه دفاعی دارد و هدف ما از ارسال آنها یکی این است که بفهمانیم ما آماده عادی سازی روابط هستیم و دیگر اینکه با جناح میانه رو در جنگ قدرت پس از آیت‌الله خمینی کانال ارتباطی برقرار نماییم. روزنامه النهار می‌نویسد: ریگان و جان پویندکستر در یک مصاحبه مطبوعاتی گفتند: هدف اصلی ما از مذاکرات و

ارسال سلاح محرمانه به ایران، ایجاد ارتباط مناسب با رهبران احتمالی آینده ایران بود و موضع گروگان‌ها
فرعی و جانبی است. آنها اظهار امیدواری کردند که پس از فوت آیت‌الله خمینی جناح میانه رو روی کار آید.

نشریه کویته المجتمع فاش کرد که هدف ماجرایی مک فارلین ۴ چیز است.

تغییراتی در داخل حاکمیت ایران در حال وقوع است و باید از آن بهره‌برداری کرد.

برخورد دو جناح منتظری و هاشمی

تقویت جناح میانه رو

ایجاد زمینه تفاهم با حاکمیت پس از مرحله آیت‌الله خمینی

تشکیل کمیسیون تاور